



فریاد خاموشان (قسمت سیزدهم)
سایه فراموشی

فریاد خاموشان (قسمت سیزدهم)
سایه فراموشی

سراج ادیب

تاریخ رسمی، همیشه فقط آنچه را می‌خواهد به یاد بسپارد، برجسته می‌کند و هر آنچه را که به سود قدرت نیست، در سایه فراموشی می‌پوشاند. اما سایه فراموشی، نه چیزی انتزاعی، بلکه زخمی است که در جان مردم باقی می‌ماند. خاطراتی که سرکوب شده‌اند، رویدادهایی که خاموش شده‌اند و دردهایی که به فراموشی سپرده شده‌اند، همان چیزی است که تاریخ پنهان می‌خواند. این سایه، در چهره کسانی دیده می‌شود که از جنگ جان سالم به در برده‌اند اما هنوز در کابوس دیروز گرفتارند. در کوچه‌ها و خانه‌هایی که ویرانی را تجربه کرده‌اند، در کودکانی که از تجربه خشونت تنها سکوت به یادگار برده‌اند. هر گام، هر نفس، هر نگاه، یادآور خاطره‌ای است که هیچ‌گاه در کتاب‌ها ثبت نشده است. قدرت‌ها می‌خواهند فراموش کنیم، زیرا فراموشی به آنها امکان می‌دهد خطاهای خود را توجیه کنند و گذشته تلخ را پنهان نگه دارند. اما سایه فراموشی، خاموش نمی‌ماند. در نواهای موسیقی محلی، در داستان‌های مادر بزرگ‌ها و پدر بزرگ‌ها، در دیوارهای شکسته شهرها، در دل انسان‌های عادی، این خاطره‌ها همچنان زنده‌اند. شناخت این سایه، نه برای بازگرداندن درد و رنج، بلکه برای درک حقیقت است. سایه فراموشی، اگر دیده شود، می‌تواند چراغ راه باشد؛ چراغی که راه را به سوی آگاهی، عدالت و همدلی روشن می‌کند. تنها وقتی که سایه فراموشی را بشناسیم، می‌توانیم به آنچه از دست رفته، معنا دهیم و آینده‌ای بهتر بسازیم. تاریخ پنهان، همیشه در کنار ماست؛ در همان سایه‌ای که می‌خواهند ما را در آن گم کنند. ما اما می‌آموزیم که سایه را ببینیم، صدای خاموشان را بشنویم و حقیقت را زنده نگه داریم./

قسمت چهاردهم در آینده